

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد



دیازین: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدن



Ketabton.com

۱۳۹۷

تبع و نگارش:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

سال

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

عقیقه و احکام آن:

صاحب مختار الصحاح می‌فرماید: عقیقه و عقه بکسر (ع) بمعنی موئی است که بهنگام ولادت نوزاد انسان و حیوان بر بدن او است و گوسفندیکه برای نوزاد

در اولین هفته ولادتش ذبح میشود، بدان نامیده شده است.

عقیقه به نزد اکثریت از علمای اسلام سنت مؤکده است ولو که والدین فقیر و تنگ دست هم باشند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و یارانش برای فرزندان شان عقیقه کرده‌اند.

صاحبان سنن روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هر یک از نواسه های خویش، حسن و حسین فرزندان علی بن ابی طالب قوچ عقیقه کرده اند. لیث و داود ظاهری عقیقه را واجب می‌دانند. احکام عقیقه چون احکام قربانی است به فرق اینکه در عقیقه مشارکت جایز نیست.

عقیقه در زندگی خانوادگی از مهمترین مسائل که باید والدین (پدر و مادر) به آن اهتمام و توجه کامل داشته باشند. مسئله تربیت و آموزش علم و دانش و ترویج و تطبیق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به خانواده و از آنجمله به فرزندان است.

پدر و مادر باید به فرزندان صالح و نیکوکار خویش شخصیت داده و احترام گذارند، از مصادیق اعانت و یاری فرزندی بر نیکوکاری این است که پدر و مادر از دوران کودکی، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهیا نمودن محیط سالم، زمینه را برای رشد و تکامل آنان آماده و مساعد نمایند. چرا که کوچکترین رفتار و گفتارشان در نوزاد تاثیرگذار می‌باشد.

در دین مقدس اسلام و تعلیمات اسلامی تربیه از همان بدو تولد آغاز می‌گردد. از آذان و اقامه گفتن در گوش طفل گرفته، تا انتخاب نام نیک و با مفهوم بر ای وی، بخرچ دادن سعی و تلاش برای رشد و مراقبت همه جانبه از طفل، فراهم ساختن تربیه سالم و مفید و آموزش‌های لازم و مفید و رشد و شکوفایی خصلت‌های پاک انسانی در او از جمله امور و وظایفی است که دین مقدس اسلام و شریعت غرای محمدی بر آن حکم فرموده است. همچنان عقیقه از جمله امور ایست که دین مقدس اسلام بر آن هدایت و دستور فرموده اند. عقیقه عبارت از ذبیحه‌ای است که از: کشتن گوسفند یا هر حیوانی دیگری که صلاحیت قربانی کردن را داشته باشد، برای طفل نوزاد و بجای او ذبح می‌شود، به یاد داشته باشید جهت حفظ فرزند از بلاها، پرداخت قیمت عقیقه کفایت نمی‌کند.

فضیلت عقیقه:

صاحبان سنن از سمره از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که گفت: «کل مولود رهینه بعقیقه تذبح عنه یوم سابعه ویخلق ویسمی» پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در گرو عقیقه‌ای است که بجای او ذبح می‌شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را می‌تراشند و او را نامگذاری می‌کنند).

(نام گذاری خوب یکی از مسایل مهم ارج گذاری برای طفل و بحث مهم و مستقل است

که در مورد به تحقیق جدا گانه خواهیم پرداخت).

همچنان در حدیثی از سلمان بن عامر ضبی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « الغلام عقیقه، فأهريقوا عنه دما، وأميطوا عنه الأذى » (عقیقه نوزاد پسر با وی است پس برایش خون بریزید یعنی بجای او گوسفندی ذبح کنید و آلودگی و نجاست را از او دور کنید.) (بروایت پنج نفر از اصحاب صحاح.)

عقیقه پسر و دختر:

مطابق حکم حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم نیکوتر آنست که برای طفل نوزاد پسر دو راس گوسفند نزدیک بهم از نظر شباهت و سن و برای نوزاد دختر یک راس گوسفند ذبح شود.

ام کروز کعبی گفت: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می گفت: « عن الغلام شاتان متكافئتان وعن الجارية شاة »

(بجای نوزاد پسر دو گوسفند قریب بهم در رنگ و سن و بجای نوزاد دختر یک گوسفند سربرید و عقیقه کنید).

و یک گوسفند هم بجای پسر کفایت می کند چون پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هریک از حسن و حسین چنین کرد طوری که قبلا بیان گردید.

در مورد اینکه چرا برای پسر باید دو گوسفند قربانی شود و برای نوزاد دختر فقط یک گوسفند، حکمتش امام ابن قیم جوزیه در کتابش « تحفة المودود » این چنین توصیف کرده است که: « و شرع فی المذبوح عن الذكر أن يكون شاتین إظهاراً لشرفه وإباحة لمحلّه الذی فضله الله به علی الأنثی، كما فضله فی المیراث والدية والشهادة »، یعنی: (و خداوند برای نوزاد پسر ذبح دو گوسفند را مشروع کرده است بعلت نشان دادن شرف و برتری جنس مذکر بر مؤنث، همانگونه که او را در مسائل میراث و دیه و شهادت بر مؤنث برتر ساخته است). والله اعلم

عقیقه مستحب است یا واجب:

علماء در مورد اینکه حکم عقیقه در شرع اسلامی مستحب است و یا واجب، سه قول معروفی را در این مورد ارائه و بیان فرموده اند:

برخی از علماء می فرمایند که: حکم عقیقه در شرع اسلامی واجب می باشد، برخی دیگری از علماء بر مستحب بودن عقیقه در شرع اسلامی حکم می کنند، و برخی دیگری از علماء از جمله امام صاحب شافعی و امام صاحب حنابل بدین نظر اند که عقیقه از جمله سنت مؤکده می باشد، و این قول ارجح هم می باشد. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: « مَنْ وُلِدَ لَهُ وَوَلَدٌ فَأَحَبُّ أَنْ يَنْسُكَ عَنْهُ فَلْيَنْسُكْ، عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ، وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ » أبو داود (2842).

یعنی: « هر کس صاحب طفل شد، و دوست داشت برای او ذبح کند؛ پس برای پسر دو گوسفند یکسان و برای دختر یک گوسفند ذبح کند. »

علامه عبد المحسن عباد در « شرح سنن ابوداود » گفته: « از ظاهر این حدیث اینگونه برداشت می شود که عقیقه واجب نباشد. »

علماء هیئت دائمی افتاء نیز گفتند: « عقیقه سنت مؤکده است، برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح می شود، و در روز هفتم (تولد) ذبح شود، و اگر از روز هفتم به تاخیر افتاد جایز است در هر وقتی آنرا ذبح نمود، و بعلت تاخیر آن گناهکار نمی

شود، هر چند بهتر است تا جائیکه ممکن است آنرا زود انجام داد» «فتاوی اللجنة الدائمة (439 / 11).

بدر نظر داشت حکم ادای عقیقه که در بین فقها مورد اختلاف می باشد ، اما با این وجود هیچکدام اختلافی بر سر این مسأله ندارند که انجام عقیقه بر فقیر واجب نیست چه رسد بر انسان قرضدار ، چرا که حتی انجام حج - که از عقیقه مهم تر است - بر پرداخت قرض پیش نمی افتد.

وقت ذبح عقیقه:

احادیثی که درباره ی عقیقه روایت شده است اشاره به این دارد که باید عقیقه در روز هفتم، روز ولادات ذبح شود. بعضی از اصحاب گفته اند: اگر در روز هفتم این کار صورت نگرفت روز چهاردهم، اگر باز هم در روز چهاردهم صورت نگرفت ، باید در روز بیست و یکم، اگر آن روز هم از دست رفت، هر وقت که امکان داشت، این کار را انجام دهد ، حتی اگر شده بعد از یک ماه، چند ماه، یک سال و حتی چند سال. برخی از علماء بر این امر معتقد اند : زمانیکه طفل به سن بلوغ رسید حکم عقیقه ساقط می شود. و عده ی دیگر بدین باور آند که اگر عقیقه شخصی صورت نگرفته بود ، خود شخص هم میتواند عقیقه خویش را ادا کند، ولی در این باره دلیل محکم و صحیحی وجود ندارد. به همه حال اگر امکان ذبح در آخر هر هفته ای وجود داشت بهتر است. اگر این کار سخت بود، تعجیل آن در هفته های اول و دوم ایرادی ندارد. حکمت کلی در امر عقیقه وجود دارد بی نهایت عالی و ذی فهم است ، برخی از این حکمت ها را می توان در نقاط ذیل جمع بندی و خلاصه نمود :

- آنچه که به طفل بر می گردد. مثل دعا کردن که در دعای عقیقه وجود دارد ، و اجرای عقیقه در واقع قربانی برای این طفل است .

- آنچه که به فقرا در امر عقیقه بر می گردد و ما می بینیم که به تبعیت اسلام در این قضیه اطعام و تصدق به فقرا صورت می گیرد و این همان چیز است که مطلوب دین و مورد تأیید آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است .

- آنچه که به مسائل اجتماعی بر می گردد و از مستحبات دعوت مؤمنین است (اعم از فامیل و سایر مسلمانان) طوریکه دین مقدس اسلام به دعوت مؤمنین و زیارت کردن همدیگر و رابطه محبت آمیز و انس و الفت سفارش کرده است و در این ملاقاتها اهداف فوق الذکر تحقق می یابند.

- آنچه به مسائل عاطفی بر می گردد، اینکه خانواده طفل مورد توجه قرار می گیرند و مردم در خوشحالی آنان شرکت نموده ، آرامش و دلگرمی پیدا می کنند .

- علاوه از اینکه عمل عقیقه یک نوع شکر گزاری از پروردگار با عظمت برای نعمت صاحب فرزند شدن، است. نعمتی که گویی در نعمت های دنیا همنا ندارد.

توزیع گوشت عقیقه:

در مورد اینکه احکام توزیع و مصارف گوشت عقیقه مثل گوشت قربانی می باشد علماء نظریات مختلف و متفاوتی دارند .

برخی از علماء و فقهاء بدین نظر اند که: احکام و مصارف گوشت عقیقه مانند قربانی است، بنابراین مستحب است آنرا به سه قسمت تقسیم نمود و یک قسمت را برای خود، قسمت دیگر را بین نزدیکان و دوستان توزیع نمود و باقیمانده را بین فقراء توزیع نماید.

برخی دیگر از اهل علم گفته اند: عقیقه مثل قربانی نیست، و لذا می توان با گوشت آن هرگونه که خواست عمل کرد.

امام ابن قدامه می گوید: «روش (استفاده از گوشت عقیقه) در خوردن و هدیه دادن و صدقه کردن آن؛ همان روش قربانی است.. و این رأی امام شافعی نیز میباشد. ابن سیرین گفته: با گوشت آن هرگونه خواستی عمل کن. ابن جریر اظہار نموده که: گوشت آنرا با آب و نمک طبخ کن و بین همسایگان و دوستان پخش کن و چیزی را صدقه مده. و از امام احمد در این باره سوال شد او در جواب حکم و جواب ابن سیرین را تأیید نمود، و این دلالت می کند که ایشان بر نظر ابن سیرین هستند، و باز سوال شد که آیا گوشت آنرا بخورد؟ جواب فرمود: این را نمی گویم که همه گوشت را بخورد و چیزی را صدقه ندهد.

(رأی) نزدیکتر به صواب آنست که عقیقه را بر قربانی قیاس نمود، زیرا عقیقه ذبحی مشروع و غیر واجب است مثل قربانی، وانگهی (حیوان) عقیقه در صفت و سن و اندازه و شروط مشابه قربانی است پس در مصرف نیز مشابه آن خواهد بود..» (المغنی 9 / 366).

امام شوکانی در کتاب «نیل الأوطار» (5 / 231) آورده: «آیا آنچه در قربانی شرط شده در عقیقه هم شرط است؟ شافعیه در این مورد دو دیدگاه دارند، و استدلال شده بر اینکه در عقیقه دو گوسفند (برای ذبح) است و این دلیل بر عدم اشتراط است، و این سخن حق است».

همچنین فرقهایی بین عقیقه با قربانی ذکر کرده اند که دلالت بر عدم تشابه این دو در همه چیز هستند.

و بطور کلی در سنت نبوی طریقه مشخصی برای توزیع گوشت عقیقه وارد نشده است، وانگهی هدف از عقیقه تقرب الی الله با ریختن خون حیوان به شکرانه نعمت الهی (تولد نوزاد) است، با این وجود می توان گوشت عقیقه را هم هدیه داد و هم صدقه نمود، و یا فقط اهل خانواده از آن بخورند، و یا قسمتی را خود بخورند و قسمتی را توزیع کنند، و این نظر ابن سیرین رحمه الله است.

و از بعضی از سلف صالح مثل جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که تمام گوشت عقیقه را طبخ می کردند، حتی آن قسمتی که صدقه داده می شد، و عطاء بن ابی رباح درباره عقیقه می گفت: «یقطع آرابا آرابا، و یطبخ بماء و ملح، و یهدی فی الجیران». یعنی: «اعضای اصلی بدن آن قطع شود (مثل دست و پا)، و با آب و نمک طبخ داده شود و بین همسایگان پخش شود». روایت بیهقی در سنن (19827). و از عایشه رضی الله عنها روایت شده که درباره گوشت عقیقه گفت: «يُجَعَلُ جُدُولًا، يُؤْكَلُ وَيُطْعَمُ». یعنی: «اعضای آن قطع می شود، و از آن خورده می شود و صدقه داده می شود». روایت ابن ابی شیبہ (5/532).

شیخ ابن باز می گوید: «کسی که عقیقه کرده مختار است؛ اگر خواست گوشت آنرا بین نزدیکان و دوستان و فقراء توزیع کند، و اگر خواست گوشت آنرا طبخ کند و هرکس را که خواست از نزدیکان و همسایگان و فقراء دعوت کند..» (مجموع الفتاوی (262/4)). و شیخ ابن عثیمین گفته: «هم از گوشت آن بخورد، و هم هدیه دهد، و هم صدقه دهد، و مقدار مشخصی لازم نیست که رعایت شود، آن مقدار که مقدر بود از آن بخورد، و آن

مقدار که مقدور بود هدیه کند و صدقه دهد، و اگر خواست نزدیکان و دوستانش را (برای صرف گوشت عقیقه) دعوت کند، چه در داخل شهر یا خارج شهر، ولی در اینحالت لازمست مقداری هم به فقیر بدهد، و ایرادی ندارد که گوشتش را طبخ نموده یا بصورت خام توزیع کند، امر در آن وسعت دارد» (مجموع فتاوی (206/25)).
به هر حال اگر کسی از گوشت عقیقه چیزی را پخش نکند، عقیقه درست است، برخلاف قربانی که بایستی قسمتی از آنرا توزیع کرد.

اهدای شیرنی عوض عقیقه:

قبل از همه باید گفت که توزیع شیرنی برای تولد نوزاد جای عقیقه را نمی توان گرفت. امام ابن قیم رحمه الله می گوید:

«ذبح حیوان عقیقه از صدقه دادن پول آن افضلتر است، حتی اگر پول از ارزش حیوان بیشتر باشد، زیرا هدف از عقیقه؛ ذبح حیوان و ریختن خون است، و این عبادتی مقرون به نماز است، چنانکه الله تعالی فرموده: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» (الکوثر / 2). پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. و می فرماید: «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره الأنعام / 162). بگو: «نماز و ذبیحه ی من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است». (تحفة المودود بأحكام المولود، صفحه (164)).

همچنین از هیئت دائمی افتاء در مورد پرداخت پول بجای ذبح عقیقه سوال شد، آنها جواب دادند: «باید بجای نوزاد مذکر دو گوسفند، و نوزاد دختر یک گوسفند ذبح کند، و پرداخت پول یا همانند آنها جایز نیست». (اللجنة الدائمة (449/11)).

بنابراین اگر کسی بجای ذبح حیوان عقیقه، پول یا هدایا یا شیرنی را به همسایگان و اقارب هدیه بدهد، عمل او بر خلاف سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است، البته ارسال پاکت جهت دعوت کردن مردم ممانعتی ندارد، زیرا این امر داخل در عرف و عادت است ولی نباید در آن اسراف و تبذیر شود، ولی سنت صحیح آنست تا برای پسر دو (یا یک) گوسفند همسن، و برای دختر یک گوسفند، ذبح شود و سپس گوشت آنرا بین همسایگان و اقارب توزیع کند و یا آنها را دعوت نموده از گوشت آن حیوان بدانها خوراک دهد.

تبریکی نوزاد:

یکی از حقوق ایکه والدین نوزاد بالای اقارب و دوستان دارد اینست که برای مادر و پدر طفل در به دنیا آوردن طفل جدید تبریکی عرض نماید و این تبریک گفتن یک رسم قرآنی بوده طوریکه در آیه (7 سوره مریم آمده است: «يُرَكَّبُهَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى» (ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم). همچنان می فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ بِبَشِيرِكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران: ۴۵)

(فرشتگان گفتند: ای مریم! الله تو را به کلمه ای از جانب خود بشارت می دهد که نام او مسیح است عیسی فرزند مریم).

پس با تأسی به ملائكة اللهی که پیامبران (علیهم السلام) را بشارت فرزند داده اند باید به والدین بشارت و تهنئت مهمان جدید داده شود زیرا دین اسلام هیچ مناسبتی را نگذاشته

است مگر اینکه پیروانش را به همدردی و همبستگی در همه برنامه‌های خوشی و غم امر نکرده باشد تا بنای جامعه اسلامی قوی و پایدار باقی بماند.

مژده و بشارت تولد فرزند به دیگران سبب تقویت محبت، استحکام روابط و گسترش مهر و عطوفت بین خانواده‌ها می‌گردد. لذا شایسته است به این امر عنایت خاصی نموده و به ایشان نوید دهیم. در صورتی که توفیق نیافتیم به آن‌ها بشارت دهیم، شایسته است به آن‌ها تبریک بگوییم. فرق بین این دو این است که بشارت یعنی خبر تولد فرزند یا هر خبر خوشی که مؤمن را خوش حال نماید به او بدهیم، ولی تبریک و تهنیت یعنی برای او دعای خیر کنیم.

لذا زمانی که مورد قبول حق واقع شدن توبه کعب بن مالک رضی الله عنه و یکی دیگر از یاران پیامبر نازل گردید، فردی سریعاً به او بشارت داد که توبه‌ات پذیرفته شده و مردم با ورود کعب به مسجد به او تبریک و تهنیت می‌گفتند. کعب بن مالک رضی الله عنه زمانی که از تخلف خود در غزوه تبوک یاد می‌نمود چنین می‌گفت:

« سَمِعْتُ صَوْتَ صَارِخٍ أَوْفَى عَلَى سَلْعٍ يَقُولُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا كَعْبُ بْنُ مَالِكٍ أَبَشِّرْ قَالَ فَخَرَرْتُ سَاجِدًا وَعَرَفْتُ أَنْ قَدْ جَاءَ فَرَجٌ قَالَ فَادْنُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ بِتُوبَةِ اللَّهِ عَلَيْنَا حِينَ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ فَذَهَبَ النَّاسُ يُبَشِّرُونَنَا فَذَهَبَ قَبْلَ صَاحِبِي مُبَشِّرُونَ وَرَكَضَ رَجُلٌ إِلَيَّ فَرَسًا وَسَعَى سَاعٍ مِنْ أَسْلَمَ قِبَلِي وَأَوْفَى الْجَبَلِ فَكَانَ الصَّوْتُ أَسْرَعَ مِنَ الْفَرَسِ فَلَمَّا جَاءَنِي الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ يُبَشِّرُنِي فَنَزَعْتُ لَهُ تُوْبِي فَكَسَوْتُهُمَا إِيَّاهُ بِبِشَارَتِهِ وَاللَّهِ مَا أَمْلِكُ غَيْرَهُمَا يَوْمَئِذٍ وَاسْتَعَرْتُ تُوْبِيْنَ فَلَيْسَتْهُمَا فَاَنْطَلَقْتُ أَتَاْمُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَلَقَانِي النَّاسُ فَوْجًا فَوْجًا يَهْتَنُونِي بِالتُّوبَةِ وَيَقُولُونَ لَتَهْنِكَ تُوْبَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ حَتَّى دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ النَّاسُ فَقَامَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدٍ اللَّهُ يَهْرُولُ حَتَّى صَافَحَنِي وَهَنَانِي وَاللَّهِ مَا قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ غَيْرُهُ قَالَ فَكَانَ كَعْبٌ لَا يَنْسَاهَا لَطْلَحَةَ، قَالَ كَعْبٌ: فَلَمَّا سَلَّمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ يَبْرُقُ وَجْهُهُ مِنَ السُّرُورِ وَيَقُولُ أَبَشِّرْ بِخَيْرٍ يَوْمَ مَرَّ عَلَيْكَ مُنْذُ وَادَّتْكَ أُمَّكَ.»

از ندا دهنده‌ای شنیدم که بر کوه سلع بالا آمده و با صدای بلند می‌گفت: ای کعب! تو را مژده باد! من در همان حال به سجده‌ی (شکر) افتادم و دانستم که گشایش و فرجی حاصل شده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از نماز صبح مردم را از این‌که خداوند عزوجل توبه مرا پذیرفته است، باخبر ساخت و مردم برای نوید و مژده دادن به من از مسجد خارج شدند. عده‌ای از بشارت‌دهندگان به طرف دو رفیق رفتند و مردی (زبیر بن عوام رضی الله عنه) سوار بر اسب با سرعت به سویم روانه شد، ولی مردی از قبیله اسلم (حمزه بن عمر الاسلمی رضی الله عنه) دوید، از کوه بالا رفت و به من مژده داد. صدای او را قبل از سواره شنیدم. چون این شخص (حمزه اسلمی رضی الله عنه) مژده دهنده به نزد آمد، در مقابل مژده‌اش هر دو لباسم را بیرون آورده و بر وی پوشاندم. قسم به خدا! در آن لحظه چیزی به جز آن دو جامه نداشتم و دو جامه‌ی دیگر به عاریت گرفته و پوشیدم و به قصد دیدار پیامبر صلی الله علیه وسلم به راه افتادم. مردم گروه گروه از من استقبال کردند و به خاطر قبول شدن توبه‌ام به من تبریک عرض کرده و می‌گفتند: قبولی توبه‌ات از سوی خداوند عزوجل مبارک باد!

به مسجد رسیدم و پیامبر صلی الله علیه وسلم را در حالی که مردم در اطرافش نشسته بودند، دیدم.

طلحه بن عبدالله رضي الله عنه به سرعت نزد من آمد و با من مصافحه نموده و تبریک گفت. هیچ يك از مهاجرین غیر از او از جایش بلند نشد و کعب این کار طلحه رضي الله عنه را هرگز فراموش نکرد. کعب گفت: وقتی به پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام کردم، در حالیکه چهره مبارکش از شادی می‌درخشید فرمودند: این روز بر تو خوش باد! زیرا از زمانی که از مادرت متولد شده‌ای، این روز بهترین روزی است که بر تو گذشته است.

دعای تبریک و تهنیت برای نوزاد:

هنگامی که نوزادی متولد می‌گردید حسن بصری به آنها چنین تبریک می‌گفت: «جَعَلَهُ اللهُ مُبَارَكًا عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»
امام نووی در اذکار این دعا را نیز نقل کرده است: «بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي الْمَوْهُبِ لَكَ، وَ شَكَرْتَ الْوَاهِبِ، وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَ رُزِقْتَ بِرَّهٍ» «خداوند در آنچه به تو عنایت کرده برکت قرار دهد و شکر خداوند بخشنده را بجا آور و نوزاد را قدرت زیادی دهد و از نیکی و فضل خدا بهره‌مند شدی» و شخص مقابل در جواب می‌گوید: «بَارَكَ اللهُ لَكَ وَ بَارَكَ عَلَيْكَ، وَ جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا، وَ رَزَقَكَ اللهُ مِثْلَهُ، وَ أَجْزَلَ ثَوَابِكَ» «برکت خداوندي بر تو و براي تو باد! خداوند به تو پاداش نيك عطا کند و همانند این، روزي و نصيبت کند و ثوابت را بیشتر کند.»

وظایف مستحب در حق نوزاد:

اول:

تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد):

در مورد مالیدن خرماي جویده شده به کام طفل نوزاد حدیثی داریم که: ابوموسی رضی الله عنه آنرا روایت فرموده اند: «وَلَدَ لِي غُلَامٌ فَدَتَيْتُ بِهِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمَاهُ إِبْرَاهِيمَ، فَحَنَكَهُ بِتَمْرَةٍ وَ دَعَا لَهُ بِالْبُرْكَاتِ وَ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ كَانَ أَكْبَرَ وُلْدِ أَبِي

موسی»

عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَأَتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمَاهُ إِبْرَاهِيمَ وَحَنَكَهُ بِتَمْرَةٍ.

(صحیح مسلم کتاب ۲۵ حدیث ۵۳۴۳)

«خدا پسری به من داد او را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بردم، او را ابراهیم نام نهاد و با خرمایی کامش را شیرین کرد و برایش دعایی برکت کرد، سپس او را به من برگرداند، او بزرگترین فرزند ابوموسی بود.»

منفق علیه: بخاری (9/587/5467)، این لفظ بخاری است، مسلم (3/1690/2145)، مسلم در این حدیث جمله (و دعا له) را ذکر نکرده است.

دوم:

- تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و به وزن موی سرش نقره، صدقه دادن مستحب است، ولی قابل تذکر است که این امر واجب نمی باشد، بنابراین اگر والدین این صدقه را انجام ندادند، گناهی بر آنان نیست.

ترمذی در سنن خود از حدیث علی رضی الله عنه آورده: «عَقَّ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الْحَسَنِ بِشَاةٍ وَقَالَ يَا فَاطِمَةُ احْلِقِي رَأْسَهُ وَتَصَدَّقِي بِزِنَةِ شَعْرِهِ فِضَّةً قَالَ فَوَزَنَتْهُ فَكَانَ وَزْنُهُ دِرْهَمًا أَوْ بَعْضَ دِرْهَمٍ» ترمذی (1519) وحسنه الشيخ الألبانی فی صحیح الترمذی.

یعنی : «رسول خدا صلی الله علیه وسلم گوسفندی را بمناسبت تولد حسن ذبح نمود، و به دخترش فاطمه فرمود : موی سرش را بتراش و هم وزن آن نقره صدقه بده، فاطمه موی سرش را (بعد از تراشیدن) وزن نمود که مقدار یک درهم یا کمتر وزن داشت.»
اما اگر والدین به هر دلیلی موی سر پسر خود را نتراشیدند، می توانند وزن موی بچه خود را تخمین زنند و هم وزن آن نقره صدقه کنند (و یا معادل وزن نقره، پول صدقه کنند).

در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «جمهور یعنی مالکیه و شافعیه و حنابله گفتند : تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم تولدش مستحب است، که در این میان مالکیه و شافعیه گفتند : هم وزن آن نقره یا طلا صدقه شود، ولی حنابله گفتند نقره صدقه شود. و اگر موی سر تراشیده نشد، تخمین زده شود و صدقه دهند، و وقت تراشیدن بعد از ذبح عقیقه باشد ..» (الموسوعة الفقهية" (107/26).

امام نووی می گوید : «بدان! این (حدیث علی رضی الله عنه) از طرق بسیاری روایت شده که بیهقی آنها را ذکر کرده است، همه (طرق حدیث) متفق هستند که هم وزن (موی سر) نقره صدقه شود، و در هیچکدام ذکری از طلا نشده، برخلاف کسانی از یاران ما (شافعیه) که بدان معتقدند (یعنی معتقدند می توان هم وزن آن طلا هم صدقه داد)» (شرح المذهب (414/8).

و شیخ ابن عثیمین می گوید : «تراشیدن موی سر پسر در روز هفتم سنت است، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد وارد شده : «موی سر تراشیده شود و هم وزن آن نقره صدقه شود»، اما بشرطیکه کسی که موی سر را می تراشد ماهر و حاذق باشد، و سرش را مجروح نکند، و (با تراشیدن) ضرری بر بچه نرسد، اگر اینها موجود نبود، بنظرم نباید سر را تراشید، در عوض هم وزن موی سرش نقره صدقه شود» (لقاء الباب المفتوح (120).

خلاصه اینکه: سنت است موی سر نوزاد را در روز هفتم تراشید و هم وزن موی تراشیده شده نقره صدقه داد، اگر با وجود عذر یا بدون عذر موی سر بچه تراشیده نشد، می توان وزن مویش را تخمین زد و به آن اندازه نقره صدقه داد.

سوم:

- ختنه کردن در روز هفتم:

به دلیل حدیثی که طبرانی در (المعجم الصغیر) از جابر روایت کرده که گفت : (أن رسول الله صلی الله علیه وسلم علق عن الحسن و الحسين و ختنهما لسبعة أيام) پیامبر صلی الله علیه وسلم برای حسن و حسین عقیقه داد و در روز هفتم آنها را ختنه کرد.»

و به دلیل حدیثی که طبرانی در (الأواسط) از ابن عباس روایت کرده که گفت : (سبعة من السنة فی الصبی یوم السابع : یسمی، و یختن، و یماط عنه الأذی، و تنقب أذنه، و یعق عنه، و یحلق رأسه، و یلطح بدم عقیقته، و یتصدق بوزن شعر رأسه ذهباً أو فضة) «هفت چیز در روز هفتم تولد سنت است : نامگذاری، ختنه، برداشتن اذیت از او، سوراخ کردن گوش (برای دختران)، دادن عقیقه، تراشیدن موی سر، آغشته کردن او به خون عقیقه (آنچه لازم به یادآوری است این است که از آغشته کردن نوزاد به خون عقیقه نهی شده است.)، و به وزن موی سرش طلا یا نقره صدقه دادن.»

آذان و اقامت در گوش طفل:

راجع به آذان و اقامت در گوش نوزاد بین علما اختلاف نظر وجود دارد عده ی آنرا مستحب می دانند در حالیکه بعضی دیگری دلایل حکم آنرا ضعیف تلقی کرده و عمل به آنرا ناجایز قرار داده اند.

یکی از حکمت های که برخی از علمای اسلامی در گفتن آذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد بدان استدلال مینمایند اینست که به زعم شان میخواهند بدین وسیله اولین ندایی آسمانی را بر گوش نوزاد وارد سازند .

در این جای شک نیست که انسان با گفتن شهادتین وارد دایره ی اسلام می شود. و همینکه نوزاد در این دنیا جدید وارد میشود ، شعار با عظمت اسلام یعنی در گوش راست آذان و در گوش چپ شعار اقامه داده میشود . و به اصطلاح شعار اسلام به او تلقین می گردد، همان طوری که در وقت جانکندن و رفتن از این دنیا کلمه ی توحید به او یادآوری می شود.

در حدیثی آمده است که :- « وَ مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ ». (هر کس آخرین کلمه اش لا اله الا الله باشد، به جنت خواهد رفت).

علماء استدلال می آورند که؛ با در نظر داشت اینکه طفل نوزاد توانایی درک آذان را ندارد لیکن ادای این کلمات ذیقیمت و مجلل بر قلب طفل اثر می گذارد. در حدیث متبرکه در مورد یکی از فواید آذان آمده است :

« ان الشيطان اذا سمع النداء هرب » هر زمانیکه شیطان صدای آذان را می شنود فرار میکند. در وقت آذان بر شیطان خوف و هیبت طاری گردیده با حواس پریشان فرار می نماید، و تا جائیکه صدای آذان شنیده شود هر گز نمی ایستد . (روای حدیث بخاری و مسلم است) .

شیطان که منتظر تولد نوزاد است تا در اولین لحظات او را گمراه نموده و از جاده ی مستقیم منحرف سازد، کلمات آذان و اقامه پلان شوم شیطانی و ابلیس او را ضعیف و ناامید می سازد. بنابراین فرزند در ابتدای تولد دعوت به سوی الله دعوت بسوی توحید و در نهایت امر دعوت به دین مقدس اسلام میگردد ، قبل از اینکه شیطان خبیث او را وسوسه های خویش او را به سوی شر و بدی دعوت نماید.

احادیثی وارده در این مورد:

تعداد علمای که بر ادای آذان و اقامه در گوش طفل نوزاد تاکید میدارند به این احادیث استدلال میدارند .

- عن أبي رافع عن أبيه قال: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ»

(مسند احمد ۶ / ۹ ، و ابو داود (۵۱۰۵) ، و الترمذی ۵ / ۱۰۷ او گفت: این حدیث صحیح است .

(از ابی رافعی روایت است که: هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنه را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوش شان آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می شود).

- همچنان در حدیثی که از عمر بن عبدالعزیز وارد شده آمده است: «در گوش راست نوزاد آذان و در چپش اقامت می‌گفت» (این حدیث در مصنف عبد الرزاق تحت شماره (۷۹۸۵) و در شرح السنة از بغوی ۱۱/۷۳).

- همچنان ابن السنی از حسن بن علی و او از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ وُلِدَ لَهُ وَوَلَدٌ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْأُيسْرَى لَمْ يَضُرَّهُ أُمُّ الصَّبِيَّانِ» (کسی که نوزادی برایش متولد شد، سپس در گوش راست او آذان و در گوش چپ او اقامه بگوید، أم صبیان به او ضرری نمی‌رساند.) اما این حدیث را علما ضعیف قرار داده اند طوری که شرح آن بعداً توضیح می‌گردد. «أم صبیان» عبارت از همان جن، یا شیطانی ساختگی که گویا طفل نوزاد را مورد اذیت قرار می‌دهد.

یادداشت ضروری:

قبل از همه باید گفت حدیث ایکه «در مورد آذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ و دفع ضرر جن و شیطان بنام «أم صبیان» ذکر یافته، از جمله احادیث موضوع (ساختگی) میباشد. (ابن سنی باب ما یعمل بالولد اذا ولد رقم 624) - طوری که الهیثمی در مورد این حدیث می‌فرماید: در حدیث راوی بنام مروان بن سالم الغفاری وجود دارد که وی از جمله متروک احادیث است. مراجعه شود به (مجمع الزوائد 4/59).

همچنان این حدیث را امام النووی فی الأذکار صفحه 286 و المناوی فی فیض القدر 6/309، ذکر نموده که تفصیل آنرا ملاحظه فرماید.

همچنان در مورد ضعیف بودن این حدیث مراجعه نماید به: إرواء الغلیل رقم 1174- سلسله الأحادیث الضعیفة رقم 321

بنابا بصورت کل گفته میتوانیم که: نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم حکم تحریم دارد و هیچ حدیث صحیحی دلیل بر وجود چنین جنی بنام (أم صبیان) در احادیث وارد نشده است - و الله اعلم.

یادداشت حکمی:

در مورد اقامه گفتن در گوش چپ، هیچ دلیل صحیح وجود ندارد، ولی بعضی از علما با قیاس بر آذان، اقامه گفتن در گوش چپ را کاری شایسته می‌دانند. و همان حدیث رافعی که از پدر خود روایت فرموده است، و در فوق تذکر یافت دلیل می‌آورند: «أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وُلِدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ» (هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنه را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوشش آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می‌شود).

خواننده محترم!

هستند علمای که آذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد، مستحبه می‌دانند، ولی در مقابل هستند تعدادی کثیری از علماء که اجرای آذان را در گوش طفل نوزاد حتی مشروع هم نمیدانند، و استدلال می‌آورند که همه احادیث وارد در این باب از جمله احادیثی ضعیف میباشد.

ولی برخی از علماء مدعی هستند که می‌توان در فضایل اخلاق (البته بنا بر شرایطی)

عمل نمود و لذا خواندن اذان در گوش نوزاد را مستحب می دانند!
ولی حقیقت آنست که مادامیکه حدیث ضعیف باشد نمی توان آنرا شرع دانست و عمل
بدان بدعت است هر چند که شخصی آنرا در حق خود عمل کند.
شیخ سلیمان بن ناصر العلوان یکی از علمای شهیر کشور عربستان سعودی طی فتوای
می فرماید :

« حدیث وارد در مورد اذان در گوش طفل نوزاد ثابت نیست ... و در این باب حدیثی به
صحت نرسیده است بنابراین خواندن اذان یا اقامه در گوش نوزاد غیرمستحب است. و
احکام شرعی از واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات، اقامه نخواهند شد مگر با
وجود ادله صحیح و اخبار ثابت شده»

همچنین شیخ ابن عثیمین رحمه الله در جواب یک سوال فرموده است :
سوال : «آیا اذان در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ وی در روز هفتم صورت
می گیرد یا در روز اول؟ در چه روزی باید صورت گیرد؟!»
جواب شیخ ابن عثیمین :

«اولا لازم است پرسیم: آیا اصلا این قضیه جزو امور مشروع است یا خیر؟ زیرا
احادیث وارده در مورد آن قوی نیستند، بالخصوص در مورد اقامه، و کسی که آن
احادیث را صحیح می داند می گوید: باید در هنگام تولد باشد!» (مراجعه شود : لقاء
الباب المفتوح (24 /60)).

شیخ خالد بن علی المشیفح مفتی سرشناس کشور سعودی :
شیخ خالد بن علی المشیفح بتاریخ : (۸ صفر ۱۴۳۳ (۲۰۱۲/۱/۲) طی جواب سوال یکی
از سوال کنندگان فرموده است :
السؤال:

ما هو حكم الأذان والإقامة في أذان المولود بعد ولادته؟ هل هو سنة مشروعة عن رسول
الله صلى الله عليه وسلم أم لا؟
الإجابة:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:
حكم الأذان والإقامة في أذن المولود غير مشروع لأن الوارد في ذلك حديث ضعيف لا
يثبت عن النبي صلى الله عليه وسلم.
سوال :

حكم اذان و اقامه گفتن در گوشهای طفل نوزاد بعد از ولادتش چیست؟ آیا این عمل جزء
سنت مشروعه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است یا خیر؟
جواب:

« ... حکم اذان و اقامه در گوش نوزاد مشروع نیست (شرعا حرام است) چون حدیثی
که در این مورد وارد شده حدیث ضعیفی است که ثابت نشده از پیامبر صلی الله علیه و سلم
باشد .».

فتوای شیخ بن باز:

شیخ بن باز رحمة الله علیه طی فتوای در مورد گفتن اذان و اقامه در گوش طفل نوزاد
می فرماید :

« اذان باید در روز هفتم تولد صورت گیرد و البته اگر این عمل (اذان در گوش نوزاد)

ترک شود ایرادی بر آن نیست، از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نشده است که ایشان در گوش نوزاد پسر یا دختر اذان گفته باشند»

همچنان از وی در برخی احادیث - که بعضی از عوامل ضعف نیز در آنها موجود است - آمده که در گوش (راست) نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خوانده است پس اگر کسی این کار را در حق طفل نوزاد انجام دهد اشکالی بر آن نیست، و عمر ابن عبدالعزیز نیز چنین عمل کرده و جماعتی از اهل علم آنرا بدون اشکال دانسته اند، و اگر این عمل ترک شود و نوزاد را بدون گفتن اذان و اقامه در گوشش اسم گذارند نیز ایرادی ندارد، چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم پسرش ابراهیم را بدون اذان و اقامه برایش اسم گذاشت، و بعضی از اولاد صحابه را در روز هفتم اسم می گذاشت بدون اینکه اذان و یا اقامه در گوش آنها بخواند و بعضی را نیز در روز اول اسم می گذاشت و اسم پسرش را در روز اول نام نهاد و اشکالی در این امر نیست، و ایرادی ندارد که اسم نوزاد را در روز اول گذاشت یا در روز هفتم، و همچنین هیچ ایرادی ندارد که در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خواند، و هیچ اشکالی بر آن نیست و سنت است که در روز اول یا روز هفتم بر نوزاد اسم گذاشت» (شیخ ابن باز)

یادداشت ضروری:

بنابصورت کل گفته میتوانیم که: اگر کسی عمل گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد را انجام دهد و یا هم اینکه آنرا ترک کند، در هر دو صورت اشکالی و ممانعتی ندارد.

منابع و ماخذ ها :

- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807هـ))
- فتاوى اللجنة الدائمة
- نیل الأوطار (الامام محمد الشوكاني 1173 هـ 1250 هـ ، 1759- 1834)
- المغنى لابن قدامة مؤلف أبو محمد موفق الدين عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)
- تحفة المودود بأحكام المولود المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ)
- بخاری ، مسلم
- فتاوی شیخ ابن باز
- فتاوی شیخ ابن عثيمين رحمه الله

فهرست موضوعات مندرج :

- عقیقه و احکام آن
- فضیلت عقیقه
- عقیقه پسر و دختر
- عقیقه مستحب است یا واجب
- وقت ذبح عقیقه
- توزیع گوشت عقیقه
- اهدای شیرنی عوض عقیقه
- تبریکی نوزاد
- دعای تبریک و تهنیت برای نوزاد
- وظایف مستحبه در حق نوزاد
- تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد)
- تراشیدن موی سر نوزاد
- ختنه کردن در روز هفتم
- آذان و اقامت در گوش طفل
- احادیثی وارده در این مورد
- یادداشت های حکمی

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
مهتم: دکتور صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی »
مصحح: فضل احمد

ادرس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**